

تدارک ۲۴ برنامه جدید در جشنواره زمستانی شبکه کودک

شبکه کودک، جشنواره زمستانی خود را با پخش آثاری متنوع برای مخاطبان کودک و خردسال آغاز کرد.

گروه فرهنگ و هنر - این شبکه ۱۷ عنوان برنامه جدید تولیدی و همچنین ۷ عنوان برنامه جدید تامینی در موضوعات و قالب‌های متنوعی را در کنار آثاری زمستانی خود قرار داد.

این فیلم از جمله آثاری است که طیف گسترده‌ای از مخاطبان، تماشاگران آن را به دوستان و اقوام خود پیشنهاد می‌کنند و به همین دلیل، تبلیغات دهان‌به‌دهان خوبی حول فیلم شکل می‌گیرد که سبب رونق گیشه این فیلم می‌شود.

در کانال نهال که محتوای آن برای کودکان دبستانی پخش می‌شود، فصل دوم برنامه «شگفت‌انگیزان» در هر قسمت به معرفی کودکانی مستعد شده است و هر قسمت مخاطبان را به سفری رویایی در سرزمین کتاب‌ها



دعوت می‌کند. «بین و بسودن» نام یکی دیگر از برنامه‌های شبکه نهال است که قصد دارد کودکان را هر چه بیشتر با ویژگی‌ها و تاریخچه و نحوه تولید اشیاء اطرافشان

است. «مه‌پویا» برنامه‌ای تمام عروسکی است که در مسیر عدالت آموزشی برای خردسالان ایران گام بر می‌دارد و به آموزش مهارت‌های جامع پیش دبستانی در قالب نمایش و سرگرمی می‌پردازد. برنامه‌ای که فصل جدید آن با داستان‌ها و عروسک‌های جدیدی آماده پخش شده است. فصل جدید برنامه «نقاشی نقاشی» هم با فرم و شخصیت‌هایی جدید آماده پخش از آنتن شبکه پویا شده است.

رویکرد جدید شبکه کودک در راستای سیاست عدالت محوری سازمان صداوسیما پخش آثاری متنوع از تولیدات مراکز استان‌های سازمان صداوسیما در سراسر ایران است که در همین راستا پویانمایی‌های جدید «ماه تی تی»، «بچه زمستان»، «فصل جدید ماجراهای طاهای»، «روح شاه» و «عبارات است از: قصه‌های روبرا فصل ششم»، «یاغ قصه‌ها»، «رعنا دختر دهقان فصل سوم»، «پند فارسی فصل سوم»، «آموزش فصل پنجم».

نگاهی به فیلم شب دوازدهم ساخته دومینیک مول

دو چرخه سواری دارد و مدام در یک قسمت مشخص از پیست - به تنهایی - در حال رکاب زدن است. حتی نزدیک‌ترین دوستش، مارسو، به او می‌گوید چرا مثل همسرتی؟ چرا فقط در قسمت بالا و سخت پیست رکاب می‌زنی و مثل بقیه در مسیر اصلی دور نمی‌زنی؟! در نهایت با این عنوان یک پایان امیدوارکننده در نظر گرفته شد.



نگاهی - تا حدی - ضد مرد وارد فیلم می‌شود. به نظر می‌رسد چون قاضی بلترام فقط به دلیل این که یک زن است به دنبال حل پرونده کلارا است. یوهان به او می‌گوید: «قتل کلارا کار مهمی نیست و توجیه آن برای پلیس ارسال می‌کند و دروغ‌هایی به هم می‌یافتد. یا نونسان که به خاطر ضرب و شتم نامزد سابقش بازداشت شده، خودش پیرهن خونی‌اش را بعد از مرگ کلارا در صحنه جرم قرار داده است. او با معلمی به نام ناتالی زندگی می‌کند و ناتالی آشکارا از او می‌ترسد. حتی مارسو به ناتالی دیکته می‌کند که قتل را گردن نونسان بیندازند اما ناتالی نمی‌پذیرد. پلیس مدارک زیادی علیه مشکلات خانوادگی‌اش می‌شود و رفتار او با یکی از مهمانان (نونسان) را درک می‌کنیم. البته در نهایت با این که می‌توانیم نتیجه اختلاف او با همسرش را حدس بزنیم؛ اما فیلم به ما چیزی نمی‌گوید و تنها در تخیل خود باید به عاقبت مارسو بیندیشیم. در این فیلم با قتل عجیبی روبه‌رو می‌شویم. کلارا در راه بازگشت به خانه مورد حمله فرد ناشناسی قرار می‌گیرد و به آتش کشیده می‌شود! کلارا با افراد مختلف و زیادی در ارتباط بوده و دوستش ناتالی تقریباً همه آن‌ها باخبر است، بنابراین با راهنمایی او، پلیس‌ها خیلی سریع به سرخ‌هایی دست پیدا می‌کنند. پلیس‌ها

دور هم جمع شده‌اند و در مورد اضافه‌کاری صحبت می‌کنند. با یکی از پلیس‌ها غر می‌زند و به خرابی دستگاه پرینتر اعتراض می‌کند و می‌گوید من پلیسم، تعمیرکار پرینتر نیستم... آن‌ها با مشکل کمبود بوجه هم مواجه هستند که به کارشان لطمه زیادی می‌زند. با این که چندان به هیچ‌کدام از اعضای ایستگاه پلیس نزدیک نمی‌شویم و تنها به خانه یوهان (شخصیت اصلی ماجرا) می‌رویم اما لابه‌لای صحبت‌های کارآگاهان متوجه برخی از ویژگی‌ها و خصوصیات آن‌ها می‌شویم. درباره مارسو هم که دوست از نزدیک یوهان و پلیس با تجربه‌ای است از طریق درددل‌هایش با یوهان، متوجه مشکلات خانوادگی‌اش می‌شویم و رفتار او با یکی از مهمانان (نونسان) را درک می‌کنیم. البته در نهایت با این که می‌توانیم نتیجه اختلاف او با همسرش را حدس بزنیم؛ اما فیلم به ما چیزی نمی‌گوید و تنها در تخیل خود باید به عاقبت مارسو بیندیشیم. در این فیلم با قتل عجیبی روبه‌رو می‌شویم. کلارا در راه بازگشت به خانه مورد حمله فرد ناشناسی قرار می‌گیرد و به آتش کشیده می‌شود! کلارا با افراد مختلف و زیادی در ارتباط بوده و دوستش ناتالی تقریباً همه آن‌ها باخبر است، بنابراین با راهنمایی او، پلیس‌ها خیلی سریع به سرخ‌هایی دست پیدا می‌کنند. پلیس‌ها

بچه‌های جزیره ویژه کودک و نوجوان

یکی بود یکی نبود
در یک جنگل سرسبز خرگوش باهوش و زیبایی بود که هیچ دوستی نداشت یک روز خرگوش که از تنهایی خسته شده بود کنار یک درخت نشست و شروع کرد به گریه کردن. جغد دلایبی از بالای درخت صدای گریه خرگوش را شنید. همین طور که روی شاخه نشسته بود بلند گفت: **آهای خرگوش کجولو چرا گریه می‌کنی؟**
خرگوش نگاه به اطرافش انداخت و گفت: **شما کی هستین؟**
جغد از بالای درخت گفت: **کمی سرت را به سمت بالا بیاور تا من را ببینی**
خرگوش کجولو تا جغد را دید سلام کرد و گفت:
من خرگوش تنهایی هستم که هیچکس با من دوست نمی‌شود، برای همین گریه می‌کنم.
جغد گفت: **مگر تو چیکار کردی که کسی با تو دوست نمی‌شود؟**
خرگوش گفت: **آخر آنها هرچه من می‌گویم را گوش نمی‌دهند، من باهوشم ولی آنها اصلاً اهمیت نمی‌دهد.**
جغد خنده ای کرد و گفت: **خوب اینکه رسم دوستی نیست، تو اشتباه می‌کنی دوستان باید به حرف هم گوش کنند، با هم تصمیم بگیرند که چه کاری را انجام دهند و با هم مهربان باشند.**
خرگوش کجولو بدان که همه حیوانات به نوعی باهوش هستند و باید به نظرات آنها احترام بگذاری. حالا هم به جای گریه کردن بلند شو و پیش دوستانت برو و از آنها معذرت خواهی کن و به آنها احترام بگذار که دوستی بهترین نصیحت خداوند است خرگوش کجولو بابت حرفهای جغد از او تشکر کرد و رسم دوستی را آموخت.

هوایما را روی زمین نشانید.

سرگرمی

بچه‌های جزیره

نقاشی

دلبندم با کمک جمع اعداد نقاشی را رنگ کن.

بنفش = ۷
آبی = ۸
زرد = ۱۰
نارنجی = ۴
سیاه = ۵
صورتی = ۱
سبز = ۲
قهوه ای = ۳

کدام فورانی بیشتر به دندان هایت آسیب می‌رساند؟

کدام جانور باعث بیماری ما می‌شود؟

عمارت رستوران

رستوران سنتی عمارت کیش

پشت بازار زیتون، جنب نمایشگاه اتومبیل پارس

۰۹۳۴۷۶۸۰۷۱۴ - ۰۹۳۴۷۶۸۰۷۱۴

(با مدیریت کوه سنگی سابق جنب بازار پردیس)

۲۰۲۳ تخفیف جشنواره

@emarat.restaurant.kish

«ارسال سراسر جزیره»